

## بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان)

داریوش بوستانی<sup>۱</sup> \* مسعود چاری صادق<sup>۲</sup>

### چکیده

در عصر جدید جوامع مختلف از جمله ایران، با تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مواجه شده‌اند که این دگرگونی‌ها، تفاوت‌هایی از نظر جهت‌گیری ارزشی، دانشی و رفتاری در بین نسل‌ها ایجاد کرده است. بر این اساس این پژوهش با استفاده از نظریه ارزشی شوارتز (SVS)، نظریه‌های اینگلههارت و مانهایم به بررسی تفاوت ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها پرداخته است. داده‌ها با استفاده از روش پیمایش و پرسشنامه استاندارد، از نمونه ۴۰۵ نفری از شهروندان بالای ۱۸ سال کرمان جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نسل سوم (نسل جدید) در ارزش‌هایی غیر از ارزش‌های جهان‌گرایی و قدرت، حداقل با یکی از نسل‌ها تفاوت دارند. با مقایسه جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها نیز مشاهده می‌شود: ارزش‌های فردگرایی جزء اولویت‌های بالای نسل سوم و ارزش‌های جمع‌گرایی و سنتی در اولویت‌های بالای نسل‌های قدیمی‌تر قرار دارند.

**واژگان کلیدی:** ارزش، نسل، شکاف نسلی، نظریه ارزشی شوارتز و کرمان.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال دوم • شماره ششم • بهار ۹۲ • صص ۴۱-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۲۳

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، نویسنده مسئول (dboostani2002@yahoo.com).  
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (charimasoud@gmail.com).

### مقدمه

هرچند جوامع همیشه با تغییراتی در عناصر ساختی، فرهنگی، الگوها و ارزش‌ها یا ایدئولوژی‌ها به صورت آرام و تدریجی روبرو بوده‌اند، اما هم‌اکنون این آهنگ تغییرات و دگرگونی‌ها روند سریع‌تری به خود گرفته و در این بین قشر جوان هر روز با ابعاد نو، گسترده و عمیق‌تر مسائل جامعه خود و جامعه جهانی مواجه می‌شود. با ورود به جامعه اطلاعاتی و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و جهان مجازی، بستر و زمینه مناسبی جهت افزایش تفاوت‌ها و احیاناً شکاف نسلی به وجود آمده است. هرچند به نظر می‌رسد، با توجه به نظریه اجتماعی شدن و فرهنگ‌سازی و از سوی دیگر نظریات مرتبط با تحولات نسلی و دگرگونی‌های اجتماعی، به جای انقطاع و تعارض نسلی، با تفاوت نسلی مواجه باشیم. تحقیقات نشان می‌دهند که افراد درون و بین جوامع، اولویت‌های ارزشی متفاوتی دارند که بازتاب خصوصیات ژنتیکی، تجربیات شخصی، موقعیت اجتماعی و فرایند فرهنگ‌سازی متفاوت آنهاست (Schwartz & Bardi, 2001: 268).

اینکلهارت تغییرات فرهنگی را در پاسخ به دگرگونی‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی می‌داند که به نوبه خود نیز به محیط شکل می‌دهند (اینکلهارت، ۱۳۸۲: ۱). درجه جهانی شدن، با توسعه سریع ارتباطات راه دور و افزایش وابستگی متقابل تجارت جهانی و بازار مالی در طول دهه‌های اخیر تشدید می‌شود. وسعت ارتباطات، با نفوذ تلفن و دسترسی به اینترنت، امکان بیشتری برای نفوذ جهانی شدن در زندگی ما ایجاد می‌کند. استیگلیتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) ادعا کرده است که جهانی شدن باعث می‌شود مردم کشورهای در حال توسعه، به‌طور مؤثر «احساس انزوا» را کاهش داده و فرصت‌هایی برای جستجوی دنیای جهانی به آنها بدهد (Wai Li & Bond, 2009: 295).

ارزش‌ها در آداب و رسوم، قوانین، هنجارها، متون و اعمال نهفته است، ارزش‌ها برای

---

1. Stiglitz

افزایش ارتقا، مشروعیت‌سازی، تفسیر و ضمانت اجرایی رفتار اجتماعی و تغییر آن استفاده می‌شود (Schwartz & Sagie, 2000: 470) و انتخاب و درگیری فردی، انگیزه‌های اساسی، درونی کردن نهادهای اجتماعی و نظام معنایی فرهنگی مشترک را بیان می‌کند (Fischer & Schwartz, 2010: 1127- 1128).

طبق نظر اینگلهارت، روابط بین محیط اجتماعی - اقتصادی و اولویت‌های ارزشی به صورت آتی اعمال نمی‌شود و شامل یک تأخیر زمانی قابل توجه است که در حد زیادی، ارزش‌های اساسی فردی بازتاب شرایط غالب در طول سال‌های قبل از بلوغ آن است. بر این اساس نسل‌های جوان و مسن شرایط اجتماعی متفاوتی را همراه با محیط اجتماعی - اقتصادی مختلف تجربه می‌کنند و بنابراین ارزش‌های متفاوتی در آنان توسعه می‌یابد (Han & Chang, 2009: 152). بر این اساس ارزش‌ها که به‌عنوان باورهای مجرد درباره اهداف مطلوب تعریف شده و براساس اهمیت نسبی توسط افراد اولویت‌بندی می‌شوند و افراد را در ارزیابی وقایع، افراد و فعالیت‌ها راهنمایی می‌کند (Fischer & Schwartz, op.cit: 1128)، از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به اینکه پس از پایان جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، جامعه ایرانی با تحولات پرشتابی در تمامی عرصه‌های زندگی از جمله فرایند نوسازی، گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین، از جمله رشد وسایل ارتباط جمعی ملی و جهانی، فرایند جهانی‌سازی و عوامل دیگری مواجه شد که موجب تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی در جامعه شد، واکنش گروه‌ها و نهادها نسبت به این دگرگونی‌ها مختلف بود.

در چارچوب مباحث مطرح در جامعه‌شناسی نسلی در ایران (متأثر از دو رویکرد تضادی و توافقی) دو دیدگاه تحت عناوین «تعارض و انقطاع نسلی» و «توافق و سازگاری نسلی» شکل گرفته است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۵). به نظر می‌رسد این دو رویکرد به‌عنوان امری سیاسی و ایدئولوژیک نمود یافته، چراکه یکی تحول نسلی در ایران و دیگری جریان فرهنگ‌سازی را نادیده گرفته است. عده‌ای نیز گسست فرهنگی را مسئله اصلی می‌دانند و نه گسست نسلی (معیدفر، ۱۳۸۳: ۶۴)، به طوری که نسل‌های مختلف به درجات مختلف با گذشته ارزشی و فرهنگی جامعه خود تفاوت دارند، هرچند در این دیدگاه شکاف نسلی را نه یک مسئله اجتماعی، بلکه یک مسئله بیولوژیکی و ناشی از مقتضیات سنی می‌دانند. به نظر می‌رسد، این دیدگاه نیز به نوعی به تفاوت در بین نسل‌های

مختلف اعتقاد دارند.

در صورت وجود گسست نسلی، ضرورتاً فروپاشی فرهنگی و اجتماعی صورت خواهد گرفت. با مراجعه به واقعیت‌های عینی در جامعه می‌توان بدون اقدام برای انجام هر نوع پژوهش اظهار کرد که جامعه در فرایند فروپاشی قرار ندارد. از طرف دیگر، جامعه ایران به لحاظ ساختاری به گونه‌ای طراحی شده است که نسل‌ها از طریق خانواده، دین و دیگر نهادهای اجتماعی به یکدیگر وابسته شده و امکان انفکاک و انقطاع نسلی از بین رفته است. افزون بر این، پذیرش فرهنگ مشترک و باور به سابقه و تجربیات واحد اجتماعی و تاریخی از عوامل پیوند زننده بین نسلی هستند (آزاد ارمکی و غفاری، پیشین: ۱۰۷).

با عنایت به مسائل بالا، شکاف نسلی ضرورتاً به تعارض و کشمکش نسلی و درنهایت انقطاع نسلی نمی‌انجامد، بلکه در آن تعامل نیز نهفته است. بنابراین با عنایت به تحقیقات صورت گرفته در داخل ایران، به نظر می‌رسد با توجه به نظریه اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری و از سوی دیگر نظریات مرتبط با تحولات نسلی و دگرگونی‌های اجتماعی، به جای انقطاع و تعارض نسلی با تفاوت نسلی مواجه باشیم که این موضوع در تعدادی از تحقیقات صورت گرفته در سطح جهانی نیز تأیید شده است. بنابراین در این تحقیق برآنیم تفاوت‌ها و مشابهت‌های گرایش‌های ارزشی و نگرشی را بیابیم. همچنین با توجه به اینکه مسئله نسل و ارزش‌های اجتماعی مرتبط با بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی جدید است و می‌توان تغییرات ایجاد شده از لحاظ اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیکی و فرهنگی در سیستم را با دگرگونی‌های ارزشی در بین افراد و در نهایت پیامدهای این تغییرات در سیستم را تبیین کرد، در پژوهش حاضر، تفاوت ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها در شهر کرمان بررسی شده و اولویت‌های ارزشی آنها شناسایی می‌شود. براساس شاخص‌های میلر (۱۳۸۰) به دلیل مربوط بودن به جمعیتی بزرگ (افراد بالای ۱۸ سال یک کلانشهر) و جمعیت پرنفوذ و سرنوشت‌ساز (جوانانی که سهم بالایی از جمعیت و سرمایه انسانی را دارند و آینده‌ساز کشور هستند)، تصریح تعریف مفهوم یا رابطه‌ای مهم (روابط بین نسلی که می‌تواند به تعامل و تفاهم بین افراد یک جامعه منتهی شود و موجب توافق ارزشی شود و هم باعث ایجاد شکاف نسلی، تنفر بین نسلی و در نهایت بروز تضاد گردد) از اهمیت بالایی برخوردار است. فرضیه‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارت است از:

۱. به نظر می‌رسد ساختار ارزشی نسل‌های مختلف با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۱۱

۲. به نظر می‌رسد محتوای ارزشی نسل‌های مختلف با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.
۳. به نظر می‌رسد اولویت‌های ارزشی نسل‌های مختلف، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.
۴. به نظر می‌رسد هویت مذهبی نسل‌های مختلف با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

### ۱. پیشینه پژوهش

با تحقیق و تفحص در پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور می‌توان به عواملی چون طبقات اجتماعی - اقتصادی، سواد و درآمد (محسنی، ۱۳۷۴)، تحصیلات، توسعه وسایل ارتباط جمعی و گسترش وسایل حمل و نقل و ارتباطات جاده‌ای (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج دوم - دفتر ملی وزارت فرهنگ و ارشاد) و افزایش سهم جمعیت جوان، تغییر ساختار خانواده، افزایش شهرنشینی (زارع و اصل روستا، ۱۳۸۷: ۹۵)، افزایش تحصیلات و زمینه‌های آموزشی بیشتر (غلامرضا کاشی و گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۷۱) و طبقه اجتماعی (علمی، ۱۳۸۸: ۱۳۱) در تفاوت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان اهمیت دارند، اما اکثر تحقیقات داخلی در بررسی دگرگونی‌های بین‌نسلی به مقایسه فرزندان و والدین پرداخته‌اند (زارع و اصل روستا، ۱۳۸۸؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹؛ جمشیدپناه و خالق‌پناه، ۱۳۸۸؛ احمدی، ۱۳۸۸). عده‌ای جامعه آماری را از نظر سن به دو نسل بزرگسال و جوان تقسیم کرده‌اند (داریاپور، ۱۳۸۶) و فقط تحقیق آزاد ارمکی و غفاری (۱۳۸۳) نسل‌های مختلف را بر اساس رویدادهای مختلف تاریخی، اجتماعی و سیاسی شناسایی کرده و مورد مطالعه قرار داده‌اند. با مقایسه این پژوهش‌ها و دیگر پژوهش‌هایی که در زمینه تفاوت نسلی صورت گرفته، به نظر می‌رسد نوعی تشتت و پراکندگی مفهومی و عملیاتی وجود دارد که افراد را به دلخواه خود تقسیم‌بندی کرده و مفهوم متفاوتی از نسل ارائه کرده‌اند، از سوی دیگر هم معیار و ضابطه یکسانی برای تشخیص تفاوت، شکاف و یا تعارض نسلی ارائه نشده است.

نکته دیگری که در مورد تحقیقات داخلی به چشم می‌خورد، عدم استفاده از تکنیک‌های پیچیده آماری است که اکثراً به تجزیه و تحلیل‌های مرسوم بسنده کرده‌اند، در حالی که طبق گفته اینگلهارت، فرهنگ عنصر علی ضروری است که به شکل‌گیری جامعه کمک می‌کند، اما برآورد آن مشکل است و به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست. به همین دلیل عوامل فرهنگی به ندرت از لحاظ کمی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و در نتیجه

ناشناخته باقی مانده‌اند. آنها مؤلفه ضروری هر نظام اجتماعی هستند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۴). بنابراین برای تبیین این عنصر پیچیده نیاز به گسترش رویکردها و روش‌های پیچیده‌تر و از سوی دیگر نزدیک‌تر به زبان این عامل است.

اهمیت ارزش‌ها و اولویت‌های ارزشی در افراد، دسته‌بندی‌های مختلف اجتماعی؛ طبقات اجتماعی و گروه‌های نسلی (Han & Chang, 2010؛ علمی، ۱۳۸۸: ۱۳۱) و فرهنگ‌ها و مناطق مختلف فرهنگی (Bardi & Schwartz, 2001) دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است (Malone & Paik, 2007) که متأثر از خصوصیات و تجربیات منحصر به فرد افراد و تأثیرات جنبه‌های جهانی (Fischer & Schwartz, 2010)، توسعه اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیزه شدن (Schwartz & Sagie, 2000)، نفوذ فرهنگ سنتی (Han & Chang, 2010: 167) و بنیان‌های مذهبی و فرهنگی تاریخی (kulkarni, 2010) است.

با ارزیابی پژوهش‌های خارجی می‌توان به گسترده‌گی استفاده از ارزش‌های فرهنگی اینگلهارت و شوارتز به‌عنوان دو رویکرد جهانشمول برای مطالعه ارزش‌های فرهنگی پی برد. از سوی دیگر اکثر این تحقیقات در گستره جغرافیایی وسیعی در کل جهان و یا چندین کشور انجام شده و علاوه بر مطالعه رابطه جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و دگرگونی فرهنگی، از روش‌های پیچیده آماری و فراتحلیل استفاده کرده و به نقد و بررسی پژوهش‌های قبلی پرداخته‌اند. بنابراین هرچند بین نسل‌ها تفاوتی‌هایی در ارزش‌های امنیت و جهانشمولی‌گری (دلخمش، ۱۳۸۳: ۱۶، داریاپور، ۱۳۸۶: ۲۰؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۳۱)، سنت و برانگیختگی (داریاپور، ۱۳۸۶: ۲۰)، ارزش‌های اجتماعی در همسرگزینی (زارع و اصل روستا، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۳)، فردگرایی (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷)، ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۷)، دین‌گرایی، نوگرایی و گروه‌های مرجع (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۹۰-۱۰۷) و غیره مشاهده شده، اما مشابهت‌هایی از جمله تأکید بر ارزش‌های تلفیقی «مادی و فرامادی»، اهمیت بالای خانواده و ملیت ایرانی (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰۷؛ جمشیدیها و خالق‌پناه، ۱۳۸۷: ۷۷) و تشابه در برخی گونه‌های ارزشی مانند ۲۸ گویه از ۵۷ گویه ارزشی شوارتز (داریاپور، ۱۳۸۶: ۲۰) تأثیر نظام ارزشی اعضای خانواده و به‌ویژه والدین بر نظام ارزشی نوجوانان (آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۴) و تشابه در دیگر گونه‌های ارزشی (Bardi & Schwartz, 2001: 287; Malone & Paik, 2007: 182) نیز در این پژوهش‌ها منتج شده است.

در یک جمع‌بندی کلی از مطالعات تجربی خارجی و داخلی می‌توان گفت که غالب این تحقیقات بر تفاوت بین نسلی در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی تأکید کرده و کمتر بر تضاد و شکاف بین نسلی در این باب اشاره دارند. بدین ترتیب که میان گروه‌های سنی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان تحلیل یافته‌ها را یک بار بر مبنای شباهت‌ها و دیگر بار بر مبنای تفاوت‌ها سامان داد (غلامرضا کاشی، بی‌تا: ۳۴).

## ۲. چارچوب نظری و مفهومی

### ۲-۱. نسل<sup>۱</sup>

با توجه به نظر رونالد اینگلهارت- مبنی بر اینکه دگرگونی ارزشی به تدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد و روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به‌طور مداوم از سالی به سال دیگر و اولویت‌های ارزشی بازتاب تفاوت نسلی است نه چرخه زندگی و آثار دوره ای (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۶۰-۷۶)- نسل به‌عنوان متغیری تأثیرگذار مورد توجه تعدادی از محققین قرار گرفته است.

هیوز بر اساس تجربیات مشترک، فاصله سنی ۱۵ سال را برای هر نسل در نظر می‌گیرد (هیوز، ۱۳۶۹: ۱۴) و بالس معتقد است: هر بیست تا بیست و پنج سال یک نسل جدید پا به عرصه حیات می‌گذارد و بسیاری از مردم در طول عمر خویش شاهد حضور سه نسل هستند (پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، خودشان و فرزندانشان). ظاهراً هر ده سال شکل جدیدی از ذهنیت نسلی ظهور می‌کند (بالس، ۱۳۸۰: ۶). شارون رویدادهایی چون جنگ و صلح (شارون، ۱۳۷۹: ۱۴۹)، بیکر رویدادهای تاریخی (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۱۸) و اینشتاد شرایطی را که نسل در آن رشد یافته، تجاربی به دست آورده و مرارت‌هایی را متحمل شده (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۲) در شناسایی نسل‌ها مهم می‌انگارد.

از نظر کارل مانهایم، نسل به‌عنوان یک موجودیت اجتماعی و نه یک ضرورت بیولوژیکی است و دارای سه بعد جایگاه نسلی، نسل به‌مثابه یک واقعیت و واحد نسلی است. جایگاه نسلی، تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی که در یک دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده‌اند و کسانی که مقدار مشترکی از

---

1. Generation

وقایع تاریخی را تجربه می‌کنند، مرتبط است. نسل به‌عنوان یک واقعیت، به بازتشنیص تجربیات مشترک افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی متولد شده‌اند (کسانی که احساس می‌کنند با معاصرین خود مرتبط هستند) بستگی دارد، چراکه به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند. بنابراین یک نسل به‌عنوان یک واقعیت، فقط شامل افرادی می‌شود که به لحاظ تاریخی هم دوره هستند.

واحد نسلی به معنای گروه سنی - زیستی در نظر گرفته شده و دارای چندین ویژگی است: ۱. دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی است (این موقعیت تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه ممکن با توجه به شرایط است)، ۲. سرنوشت مشترک و علاقه‌هایی بر اساس طبقه اقتصادی، اجتماعی دارند و ۳. دارای هویت واحد بر اساس تجربه مشترک هستند. بنابراین واحد نسلی همچون جمع شدن افراد به لحاظ سنی مشابه نیست، بلکه واحد اجتماعی پیوند با یکدیگر از طریق موقعیت ساختاری مشترک، سیستم ظرفیتی مشترک، خودآگاهی همچون یک واحد اجرایی و کنش متقابل اجتماعی و انسجام در میان اعضا است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۸۹-۸۸؛ آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۹).

بنابراین با در نظر گرفتن فرضیه اجتماعی شدن اینگلههارت که دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد و دگرگونی ارزشی بازتاب اوضاع حاکم در طول سال‌های شکل‌گیری یک گروه سنی معین است (اینگلههارت، ۱۳۸۲: ۷۵) و طبق دیدگاه کارل مانهایم، برای بازشناسی نسل‌ها در ایران باید افرادی را که در یک دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده‌اند، تجربیات مشترکی در این فضای تاریخی و فرهنگی کسب کرده‌اند و در این موقعیت مشترک، دارای خودآگاهی، کنش متقابل اجتماعی و انسجام بوده‌اند را به‌عنوان یک نسل در نظر گرفت که با ملاک قرار دادن وقایع مهمی همچون کودتا، اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، انقلاب و جنگ و دوران پس از جنگ در ایران، می‌توان سه نسل را از یکدیگر تفکیک کرد؛ نسل قبل از انقلاب، نسل انقلاب و جنگ و نسل بعد از جنگ (نسل سومی‌ها و نسل جدید).

لازم به ذکر است که در برخی تحقیقات داخلی نیز انقلاب اسلامی به‌عنوان مبنای تفکیک نسل‌ها در نظر گرفته شده است. از جمله پژوهش آزاد ارمکی و غفاری (۱۳۸۳) و چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) که با ملاک قرار دادن سن و همسالان، تجارب مشترک جامعه‌پذیری، تجربه‌های نسلی و وقایع مهم تاریخی همچون جنگ، انقلاب، کودتا،



اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و با مبنا قرار دادن انقلاب اسلامی، سه نسل (نسل قبل از انقلاب، نسل انقلاب و جنگ و نسل سومی‌ها) را مطرح کرده است. بر این اساس در این تحقیق، افراد بین ۱۸ تا ۳۵ سال که فرایند جامعه‌پذیری آنها بعد از انقلاب شکل گرفته به‌عنوان نسل سوم، افراد بین ۳۶ تا ۵۵ سال که تجربه زیسته جنگ تحمیلی و انقلاب را دارند به‌عنوان نسل دوم و افراد بین ۵۶ تا ۸۰ سال که دوران حاکمیت پهلوی را تجربه کرده‌اند به‌عنوان نسل اول در نظر گرفته شده است.

## ۲-۲. ارزش

ارزش‌ها در مرکزیت علوم اجتماعی واقع شده و به‌عنوان ویژگی‌های سه نوع هستی اجتماعی (شخص، گروه و جمع) در نظر گرفته می‌شود که طبق نظر شوارتز، به‌عنوان باورهای مجرد درباره اهداف مطلوب تعریف شده و بر اساس اهمیت نسبی توسط افراد اولویت‌بندی می‌شوند که افراد را در ارزیابی وقایع، افراد و فعالیت‌ها راهنمایی می‌کند (Fischer & Schwartz, 2010: 1128).

ارزش‌ها، ایده‌هایی هستند که به وسیله افراد درباره رفتار اخلاقی یا رفتار درست (درست و غلط بودن و مناسب یا مطرود بودن آن رفتار) حفظ می‌شوند. ارزش‌ها نوعی داده‌های اجتماعی هستند که بسیار عمیق، نیمه پایدار، زیربنایی<sup>۱</sup> و برخی مواقع غیرصریح<sup>۲</sup> (ضمنی) بوده و در مقابل نگرش‌ها که سطحی و ضعیف‌تر هستند، قرار دارند (Marshall, 1996: 552). ارزش‌ها که به‌عنوان یک محصول نیروهای جامعه‌شناختی، بیولوژیکی و روان‌شناختی ظهور می‌یابند، به‌مثابه باورهای عام درباره راه‌های مطلوب رفتار و اهداف عام مطلوب که ورای موضوعات و موقعیات مشخص است فرض می‌شوند که اهمیت آنها برای افراد متفاوت است و به‌عنوان اصول راهنما در زندگی افراد وارد می‌شود (Feather, 2004: 4). شوارتز ارزش‌ها را «اهداف مطلوب فراموقعیتی که دارای اهمیت متفاوتی هستند و به‌عنوان اصول راهنما در زندگی فرد یا دیگر هستی‌های اجتماعی حضور دارند» تعریف می‌کند. بنابراین ارزش‌ها نه تنها بر آرزوها و باورهای افراد نفوذ می‌کند، بلکه خط مشی‌ها، هنجارها و اعمال جوامع را شکل می‌دهد (Vauclair et al., 2011: 187).

1. Underlying
2. Inexplicit disposition

هر گاه در جامعه‌شناسی از ارزش‌ها صحبت می‌شود، ارزش‌های اجتماعی مد نظر است. ارزش‌های اجتماعی را مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، تشکیل می‌دهند. بنابراین ارزش‌ها از یک سو راهنما و تعیین‌کننده گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند. از طریق ارتباط با نهادهای اجتماعی، اعضای گروه، ارزش‌ها را از طریق نهادهای سازمان‌یافته و کارکرد آنها یاد می‌گیرند. ارزش‌ها در آداب و رسوم، قوانین، هنجارها، متون و اعمال نهفته است. ارزش‌ها برای ارتقای مشروعیت‌سازی، تفسیر و ضمانت اجرای رفتار اجرایی و تغییر آن استفاده می‌شود (Schwartz & Sagie, 2000: 470).

منشأ ارزش می‌تواند نیازهای بیولوژیکی، هنجارها، کمیابی و عادت باشد و باید متذکر شد که ارزش‌ها همواره تنها از یک منشأ سرچشمه نمی‌گیرند و گاه یک ارزش دارای چند منشأ است (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۲۷۶-۲۷۰). طبق نظر کنت، دیدگاه‌های نظری سنتی، توافق ارزشی را به‌عنوان اساس نظم اجتماعی در نظر می‌گیرد. توافق ارزشی موجب ثبات اجتماعی به وسیله افزایش همکاری و کاهش خشونت برای حل مناقشات خواهد شد و تطابق میان منافع متضاد و تقاضاها را تسهیل کرده و انواع تضاد را محدود می‌کند، التزام به ارزش‌های مشترک، اعضای یک جامعه را تشویق می‌کند تا با دیگران احساس هویت کرده، اهداف مشترک را بپذیرند و بر هنجارهایی که تعیین می‌کنند، این اهداف چگونه باید تحقق یابند توافق کنند. بنابراین سطوح توافق ارزشی ممکن است به‌عنوان یکی از اشکال فرهنگی به همان اندازه سطح اهمیت ارزشی مهم باشند (Ibid: 466).

### ۲-۳. نظریه اینگلهارت

اینگلهارت در کتاب «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» عنوان می‌کند که دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. فرهنگ، نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طرز گسترده در میان مردم مشترک بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۵-۱). وی برای تبیین دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده می‌پردازد که اساس نظریه مادی / فرامادی وی نیز هست:

۱. فرضیه کمیابی: اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست، به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است. فرضیه کمیابی شبیه به اصول نزولی بودن مطلوبیت نهایی در نظریه اقتصاد و متکی بر سلسله مراتب نیازهاست.

۲. فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست، بلکه تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است. این فرضیه متکی به نظریه ساختار شخصیت پایه است.

فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت با آثار دوره‌ای (بازتاب نوسان‌های کوتاه‌مدت در محیط‌های اجتماعی اقتصادی) اشاره دارد. دوره‌های رونق به افزایش فرامادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی به مادی‌گرایی می‌انجامد و فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی (بازتاب اوضاع حاکم در طول سال‌های شکل‌گیری یک گروه سنی معین) دارد (همان: ۷۶-۷۵). اینگلهارت تفاوت در اولویت‌های ارزشی را همراه با سه سطح متمایز توسعه اقتصادی «ما قبل صنعتی، صنعتی و ما بعد صنعتی» بررسی می‌کند و ۱۲ ترجیح ارزشی را در دو بعد ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی تقسیم‌بندی می‌کند. وی همچنین ارزش‌ها را در دو بعد کلی، تحت عنوان «ارزش‌های بقا در برابر خوداظهاری» و «ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های سکولار-عقلانی» طبقه‌بندی می‌کند (Han & Chang, 2010: 150-153). او تفاوت ارزش‌های مربوط به هر نسل را مورد توجه قرار داده و پاسخگویان را به سه گروه مادیون محض، فرامادیون محض و سنخ‌های التقاطی-براساس ترکیب شان از دو سنخ ارزشی - دسته‌بندی می‌کند.

#### ۲-۴. نظریه شوارتز

شوارتز ارزش‌ها را به‌عنوان اهدافی مطلوب و غیرموقعیتی تعریف می‌کند که اهمیت متفاوتی را به اصول راهنما در زندگی ارائه می‌کنند. او ارزش‌ها را بر پایه نیازهای اساسی

- 
1. Scarcity hypothesis
  2. Socialization hypothesis

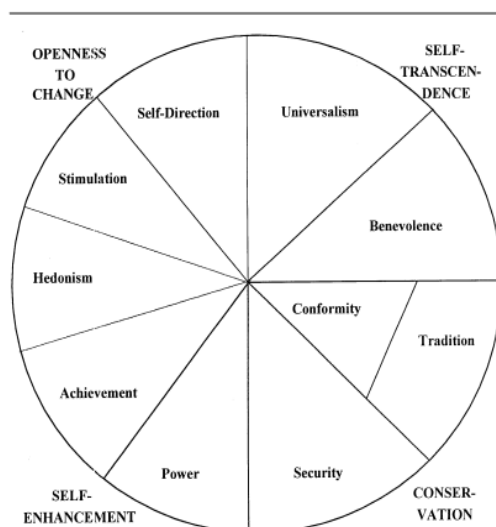
هستی انسان در سه سطح در نظر می‌گیرد: ۱. هستی انسان با نیازها و امیال بیولوژیکی و شخصی، ۲. هستی انسان با نیازهای روان‌شناختی که مرتبط با دیگران است و ۳. هستی انسان با وظایف اجتماعی که رفاه جامعه و نوع بشر به‌طور عام است (Malone & Paik, 2007: 170).

پایبندی مذهبی، جهت‌گیری سیاسی، شغل، تحصیلات، سن، جنسیت، توسعه اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیزه شدن (Schwartz & Bardi, 2001; Schwartz & Sagie, 2000) در ساختار و اولویت‌های ارزشی افراد مهم هستند. بر این اساس، شوارتز ۵۷ گویه را برای سنجش محتوا و ساختار ارزشی افراد در نظر گرفته و در ده گونه ارزشی دسته‌بندی می‌کند. این مجموعه مؤلفه محتوایی، ارزش‌هاست و فرض بر این است که اعضای اغلب جوامع و فرهنگ‌ها آنها را بازشناسی می‌کنند. این سازه‌ها یا ریخت‌های ارزشی از تحلیل مقتضیات جهانشمولی که همه افراد و گروه‌ها باید با آنها مواجه شوند (نیازهای افراد به منزله ارگانیزم‌های زیست‌شناختی، مقتضیات تعامل اجتماعی هماهنگ بین شخصی و مقتضیات کنش متقابل و مداوم گروه‌ها و بقای آنها) استخراج شده‌اند. مؤلفه‌های ساختاری نظریه ارزشی، روابط پویایی متقابل تعارضی و توافقی میان سازه‌ها و ریخت‌های ارزش‌هاست که ساختار دورانی منسجم نظام‌های ارزشی را تشکیل می‌دهد. همچنین تعارض‌ها و تجانس‌های بین ارزش‌ها در این ساختار، چهار ریخت ارزشی مرتبه بالاتر را که در امتداد دو محور عمود بر هم آرایش می‌یابند، به وجود می‌آورند (دلخمش، ۱۳۸۳). محور اول آمادگی برای تغییر<sup>۱</sup> (شامل خود اتکایی، برانگیختگی و لذت‌گرایی) در مقابل محافظه‌کاری (شامل هم‌نوایی، سنت و امنیت) و محور دوم تقویت خود<sup>۲</sup> یا خودبرتری (شامل موفقیت، قدرت و لذت‌گرایی) در مقابل تعالی خود یا خودشکوفایی<sup>۳</sup> (شامل جهان‌گرایی و خیرخواهی) (Fischer & Schwartz, 2010: 1130). ساختار ارزشی به شکل الگوی دورانی است (شکل ۱)، به‌طوری که ریخت‌های ارزشی که هدف‌های انگیزشی توافقی و یا همبستگی مثبت با یکدیگر دارند، در مجاورت هم قرار گرفته و ریخت‌هایی که مبین هدف‌های انگیزشی متعارضی هستند و کمترین همبستگی مثبت دارند یا همبستگی منفی با هم دارند در مقابل هم قرار گرفته‌اند و بدین طریق ساختار دورانی،

- 
1. Openness to change
  2. Self - enhancement
  3. Self - transcendence

بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۱۹

معرف یک پیوستاری از انگیزش‌های مرتبط است و در این میان ارزش لذت‌گرایی عنصری است که هم در ارزش آمادگی برای تغییر و هم در ارزش خود برتری سهیم است و این ساختار به وسیله تحقیقات انجام شده در بسیاری از کشورها تأیید شده است (Schwartz & Sagie, 2000: 469; Schwartz, 2006: 2).



Source: Schwartz & Sagie, 2000: 470

شکل ۱. مدل دایره‌ای از روابط بین ساختار ارزشی

همچنین ده بعد ارزشی شوارتز را می‌توان به دو گروه ارزش‌های فردگرایانه (شامل قدرت، موفقیت، لذت‌طلبی، برانگیختگی و خودرهنمود دهی) و ارزش‌های جمع‌گرایانه (شامل امنیت، سنت، همنوایی، خیرخواهی و جهان‌گرایی) تقسیم‌بندی کرد.

وی این نظام ارزشی را در بیش از ۵۰ کشور جهان مورد مطالعه قرار می‌دهد. ویژگی‌های یاد شده در مطالب فوق، قابلیت بهتر نظریه ارزشی وی را جهت تبیین جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که محققین خارجی نیز بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند. طبق نظر آیلون (۲۰۰۸)، این نکته قابل توجه است که اگرچه چارچوب هافستد و اینگلهارت در زمینه رفتار سازمانی و جامعه‌شناسی نفوذ داشته، اما از آنها انتقاداتی شده است، چراکه آنها

1. Ailon

مجموعه‌ای از ارزش‌ها را براساس این فرض در نظر می‌گیرند که یک فرم واحد از فرهنگ ملی در درون هر ملت وجود دارد. در حالی که چارچوب جایگزین (چارچوب ارزشی شوارتز) کشورها را براساس تعداد بیشتری از ارزش‌ها توصیف می‌کند و فاقد این نقیصه است (Kulkarni, 2010: 2).

هر چند طبقه‌بندی ارزش‌ها براساس فردگرایی در برابر جمع‌گرایی، اغلب به‌طور وسیع مورد استفاده قرار گرفته، اما برای کشف یک تصویر کامل از تفاوت‌های فرهنگی - که دارای نظام ارزشی پیچیده شامل راه‌ها و اهداف زندگی فردی و جمعی است - بسیار ساده‌انگارانه به نظر می‌آید. به‌منظور کشف این پیچیدگی، تئوری ارزشی شوارتز - که هم محتوا و هم ساختار ارزش‌های اساسی انسانی را آشکار می‌کند - بسیار مناسب است (Malone & Paik, 2007: 170). با توجه به اینکه چارچوب ارزشی شوارتز فرهنگ‌ها را بر اساس تعداد بیشتری از انواع ارزش‌ها توصیف می‌کند (Kulkarni, op.cit) و به‌منظور کشف پیچیدگی نظام ارزشی، هم محتوا و هم ساختار ارزش‌های اساسی انسانی را آشکار می‌کند (Malone & Paik, op.cit) چارچوب بسیار مناسبی در زمینه بررسی موضوع مورد تحقیق است که از این نظریه برای سنجش متغیر وابسته (ارزش‌ها) استفاده شده است. تعریف عملیاتی ارزش‌های مربوط به ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها در جدول‌های ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. ساختار ارزشی شوارتز

ساختار ارزشی		
ارزش‌های نمونه	تعریف	مؤلفه ارزشی
خود رهنمودی، برانگیختگی و لذت‌جویی	ارزش‌هایی که بر فکر، عمل و احساس مستقل خویش و طرفداری از تغییر تأکید می‌کنند.	آمادگی برای تغییر
امنیت، هم‌نوایی و سنت	ارزش‌هایی که بر خود محدودکنندگی تبعیت‌جویانه، حراست از رسوم سنتی و حفظ ثبات تأکید می‌کنند.	محافظه‌کاری
قدرت، پیشرفت و لذت‌جویی	ارزش‌هایی که بر پیگیری موفقیت شخصی خویش و سلطه بر دیگران تأکید می‌ورزند.	گسترش خود (برتری خود)
جهان‌گرایی و خیرخواهی	ارزش‌هایی که بر پذیرش دیگران، به‌منزله افراد برابر با خود و علاقمندی به رفاه آنها تأکید دارند.	تعالی خود

جدول ۲. محتوای ارزشی شوارتز

ریخت‌های انگیزشی ارزش‌ها (محتوای ارزشی)			
مؤلفه	تعریف	ارزش‌های نمونه	منابع
قدرت	مقام و منزلت اجتماعی، مهارت افراد و امکانات و تسلط بر آنها	قدرت اجتماعی، اقتدار و ثروت	تعامل و گروه
پیشرفت (موفقیت)	موفقیت شخصی از خلال اثبات شایستگی در مطابقت با معیارهای اجتماعی	موفق، توانا و بلندپروازی	تعامل و گروه
لذت‌جویی	لذت و ارضای جسمانی خود	لذت و زندگی لذت‌بخش	ارگانیزم
تحریک‌طلبی (برانگیختگی)	تهییج، تازگی و چالش در زندگی	متهور، زندگی متنوع و زندگی مهیج	ارگانیزم
خود رهنمود دهی (خود اتکایی)	فکر و عمل مستقل، انتخابگر، خلاق و کاوشگر	خلاقیت، آزادی و استقلال	ارگانیزم و تعامل
جهانشمولی‌نگری (جهان‌گرایی)	تفاهم، قدرشناسی، اغماض و حفاظت از رفاه همه انسان‌ها و حفاظت از طبیعت	دارای وسعت نظر، خرد و عدالت اجتماعی	گروه و ارگانیزم
خیرخواهی	حفظ و گسترش رفاه افرادی که با فرد تماس شخصی مداوم دارند.	یارگیری، صداقت و بخشندگی	ارگانیزم، تعامل و گروه
سنت	احترام، تعهد و پذیرش آداب و رسوم و عقایدی که فرهنگ سنتی یا مذهب بر فرد تکلیف می‌کنند.	تواضع، پذیرش، سهم خود از زندگی و ایمان	گروه
همنوایی	خودداری از اعمال، تمایلات و برانگیزش‌هایی که احتمال دارد دیگران را ناراحت کنند یا ازاردهند و ناقض انتظارات یا هنجارهای اجتماعی باشند.	فرمانبرداری، ادب و خودانضباطی	تعامل و گروه
امنیت (ایمنی)	امنیت، توازن و ثبات جامعه، ارتباطها و خود	امنیت خانوادگی، امنیت ملی و نظم اجتماعی	ارگانیزم، تعامل و گروه

### ۳. روش تحقیق

روش اجرای این پژوهش، پیمایش (کمی) و توصیفی - تبیینی و به لحاظ معیار زمان نیز مطالعه مقطعی<sup>۱</sup> است که داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این تحقیق پرسشنامه‌ای بر اساس تحقیقات شوارتز درباره بررسی ساختار و اولویت‌های ارزشی (Fischer & Schwartz, 2010; Schwartz & Bardi, 2001; Schwartz & Sagie, 2000) تهیه و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ با روش مصاحبه حضوری اجرا شد.

مقیاس نمره‌گذاری گویه‌های تحقیق بر اساس تحقیقات انجام شده در سطح جهانی براساس نظریه ارزشی شوارتز است که اهمیت هر ارزش در یک طیف ۹ درجه‌ای از ۱- (مخالفت آن ارزش با ارزش‌های پاسخگو)<sup>۲</sup> تا ۷ (اهمیت فوق‌العاده)<sup>۳</sup> رتبه‌بندی شده است. عدم تقارن مقیاس، تمایزهای افراد را وقتی که درباره اهمیت ارزش‌ها فکر می‌کنند منعکس کرده و در پیش‌آزمون‌ها مشاهده شده است (Schwartz & Bardi, 2001: 271).

#### ۳-۱. جامعه آماری، برآورد حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی افراد بالای ۱۸ سال شهر کرمان است که بر طبق نتایج غیررسمی آمار سرشماری سال ۱۳۹۰، ۴۷۳۰۰۶ نفر بودند. به منظور تعیین حجم کلی نمونه‌ای که باید از جامعه مورد مطالعه انتخاب شود و این افراد پاسخگوی پرسشنامه تحقیق باشند، با توجه به دو عامل کلیدی، درجه دقت مورد نظر برای نمونه و میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مورد مطالعه تعیین شده است. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود جمعیت مورد مطالعه بر حسب نگرش‌های ارزشی و اجتماعی - فرهنگی برای دو نسل جوان و بزرگسال متفاوت است، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری قابل قبول ۵ درصد و پارامتر خصوصیت مورد انتظار ۵۰ به ۵۰، ۳۸۴ نفر برآورد شد (Lin, 1976) که برای افزایش دقت، ۴۰۵ پرسشنامه تکمیل و مورد تحلیل قرار گرفت.

شیوه نمونه‌گیری نیز با توجه به ماهیت جامعه آماری از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که در ابتدا جدیدترین نقشه شهر کرمان مربوط به سال ۱۳۹۰ که مناطق و حوزه‌های

1. Croos - sectional
2. Opposed to my values
3. Of supreme important



بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۲۳

مختلف شهر، براساس جمعیت تقریبی تقسیم‌بندی شده بود، تهیه شد و به ۵ منطقه (شمال، شرق، غرب، جنوب غربی و جنوب شرقی) شامل ۳۰۱ حوزه تقسیم‌بندی و برخی از حوزه‌ها که در حواشی شهر و دارای مراکز صنعتی و یا مخروطه بودند (شامل ۶ حوزه) حذف شده و در نهایت ۲۹۵ حوزه باقی ماند. در نهایت با روش نمونه‌گیری سیستماتیک، چهل و دو حوزه انتخاب و با نمونه‌گیری تصادفی در هر حوزه دو بلوک و در هر بلوک پنج خانوار به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد.

### ۳-۲. سنجش پایایی و روایی

در این تحقیق از سنجش‌های تثبیت شده استفاده شده است. بدین منظور گویه‌های ارزشی شوارتز که در ۶۷ کشور دنیا در تحقیقات، گروه‌ها و اقشار مختلف به کار رفته، مورد استفاده قرار گرفته و با تطبیق تحقیقاتی که در داخل کشور از این گویه‌ها استفاده کرده‌اند، با نظر اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه باهنر، یک ترجمه و مفهوم‌بندی مناسب بومی تهیه شد. جهت سنجش اعتبار صوری، این پرسشنامه در اختیار متخصصان قرار گرفت و برای سنجش روایی و پایایی آن از پیش‌آزمون استفاده شد و ۳۹ پرسشنامه در مناطق مختلف و سنین و جنسیت متفاوت به‌صورت مصاحبه حضوری تکمیل و سپس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. سپس با اصلاح موارد ابهامی و نامفهوم که از مصاحبه حضوری شهروندان کرمانی به دست آمد و همچنین رفع نقص معنایی گویه‌هایی که در پرسشنامه دارای ضریب آلفای کرونباخ پایینی داشتند، به بازنگری پرسشنامه پرداخته و اصلاحات لازم با نظر اساتید و متخصصین صورت گرفت که در نهایت ضریب پایایی قابل قبول به دست آمد (آمادگی برای تغییر ۰/۷۷۴، محافظه‌کاری ۰/۸۴۸، خودبرتری ۰/۷۹۹، خودشکوفایی ۰/۷۹۵، فردگرایی ۰/۸۵۵ و جمع‌گرایی ۰/۸۹۸).

### ۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### ۴-۱. یافته‌های توصیفی

براساس نتایج به دست آمده، مشخص شد که میانگین سنی نمونه، ۳۵ سال با انحراف معیار ۱/۴۲ است که ۶۱ درصد خانواده‌ها کمتر از پنج نفر، ۲۳ درصد پنج نفر و ۱۶ درصد بیشتر

1. Pretest

از پنج نفر بوده و ۶۸ درصد منزل ملکی و ۳۱ درصد منزل رهنی و اجاره‌ای دارند. مدرک تحصیلی ۱۴/۸ درصد زیر دیپلم، ۳۸/۲۷ درصد دیپلم، ۴۰/۴۹ درصد فوق دیپلم و کاشناسی و ۶/۴۴ درصد بالاتر از کارشناسی است. درخصوص صرف کردن پس‌انداز، درصد بالایی از زنان، سفر زیارتی (بیش از ۴۰ درصد) و درصد بالایی از مردان، سرمایه‌گذاری اقتصادی (نزدیک به ۲۷ درصد) را انتخاب کرده‌اند.

نتیجه سنجش دینداری پاسخگویان به صورت خود اظهاری نشان داد: ۴۹ درصد زنان و ۳۲ درصد مردان دارای دینداری بالا بوده‌اند. همچنین ۳۴/۵۸ درصد نسل سوم، ۴۶/۶۷ درصد نسل دوم و ۶۲/۲۲ درصد نسل اول از لحاظ دینداری در سطح بالایی بوده‌اند.

با اهمیت‌ترین گویه‌های ارزشی در بین شهروندان کرمانی به ترتیب عبارتند از: امنیت خانواده (۶/۵۹)، گرمی داشتن والدین و بزرگ‌ترها (۶/۵۸)، سلامتی (۶/۵۴)، رعایت حریم شخصی (۶/۳۱)، عدالت اجتماعی (۶/۲۵)، ادب (۶/۲۴)، حفظ وجهه خود (۶/۲۴)، پاکیزگی (۶/۲۲)، احترام به خویشن (۶/۱۵) و صداقت (۶/۱۴). گویه‌هایی که پایین‌ترین اهمیت را در بین ۵۷ گویه به خود اختصاص داده‌اند عبارتند از: قدرت اجتماعی (۴/۱۰)، لذت (۴/۱۵)، پذیرفتن سرنوشت در زندگی (۴/۲۵)، بلندپروازی (۴/۳۶)، اقتدار (۴/۳۹)، خوشگذرانی (۴/۴۸)، ثروت (۴/۵۲)، احساس تعلق (۴/۶۲)، زندگی هیجان‌انگیز (۴/۶۵) و با نفوذ بودن (۴/۷۶).

محتوای ارزشی و اولویت‌های شهروندان کرمانی به ترتیب عبارتند از: امنیت (۶/۱۳)، همنوایی (۵/۹۱)، خیرخواهی (۵/۷۹)، جهان‌گرایی (۵/۵۱)، خوداتکایی (۵/۴۶)، موفقیت (۵/۴۶)، قدرت (۵/۲۲)، سنت (۵/۱۷)، برانگیختگی (۴/۹۷) و لذت‌گرایی (۴/۶۴) و ساختار ارزشی آنها محافظه‌کاری (۵/۷۹)، خودشکوفایی (۵/۶۵)، خود برتری (۵/۲۰) و آمادگی برای تغییر (۵/۱۳) بوده و برای جمع‌گرایی (۵/۷۰) بیش از فردگرایی (۵/۲۴) اهمیت قائل هستند.

## ۲-۴. یافته‌های تحلیل استنباطی

در ابتدا، برای نرمال بودن توزیع متغیر وابسته (گونه‌های ارزشی) از آزمون ولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد: گونه‌های ارزشی خود برتری، خود شکوفایی و جمع‌گرایی با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و گونه‌های ارزشی دیگر با ضریب اطمینان ۹۹

درصد دارای توزیع نرمال هستند، در نتیجه از آزمون‌های پارامتری استفاده می‌شود.

#### ۴-۲-۱. بررسی فرضیه تفاوت ساختار و محتوای ارزشی (جهت‌گیری ارزشی) نسل‌ها

طبق نتایج مربوط به آزمون‌های تحلیل واریانس و آزمون توکی (جدول ۳)، در برخی از ارزش‌ها (جهان‌گرایی و قدرت) هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین سه نسل وجود ندارد، در تعداد دیگری از ارزش‌ها (برانگیختگی و آمادگی برای تغییر) هر سه نسل، با همدیگر متفاوت بوده و نسل سوم (جوان) دارای ارزش برانگیختگی و آمادگی برای تغییر بالاتری هستند. در گروهی از ارزش‌ها (همنوایی، سنت، لذت‌گرایی و محافظه‌کاری) نسل سوم با هر دو نسل دیگر یعنی نسل انقلاب و جنگ (نسل میانسال) و نسل قبل از انقلاب (نسل مسن) متفاوت است، اما نسل میانسال و نسل مسن در این ارزش‌ها مشترک و مشابه هستند. در ارزش‌های خوداتکایی، پیشرفت و فردگرایی، نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ مشابه بوده، اما هر دو نسل با نسل قبل از انقلاب در این ارزش‌ها متفاوت هستند. نسل سومی‌ها در ارزش‌های امنیت، خودشکوفایی و جمع‌گرایی با نسل قبل از خود (نسل انقلاب و جنگ) و در ارزش خود برتری با نسل قبل از انقلاب متفاوتند. در نتیجه نسل سوم غیر از ارزش‌های جهان‌گرایی و قدرت، در دیگر ارزش‌ها، حداقل با یکی از نسل‌ها تفاوت دارند. با مقایسه جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها (جدول ۴) مشاهده می‌شود که با گذر زمان و عبور از نسل جوان به نسل‌های قدیمی‌تر، ارزش‌های برانگیختگی، آمادگی برای تغییر، فردگرایی، خوداتکایی و پیشرفت به اولویت‌های پایین‌تر نسل‌های قدیمی انتقال می‌یابند و از سوی دیگر ارزش‌های جمع‌گرایی، محافظه‌کاری، سنت و قدرت به اولویت‌های بالاتر نسل‌های قدیمی‌تر منتقل می‌شوند، اما ارزش‌های امنیت و همنوایی بدون تغییر در نسل‌های مختلف، بالاترین اولویت و لذت‌گرایی پایین‌ترین اولویت را به خود اختصاص داده است. بالاترین اولویت ارزشی نسل‌ها، امنیت، همنوایی و خیرخواهی بوده و نسل‌های مختلف در این ارزش‌ها دارای وجه مشترک هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ارزش‌هایی که کمترین اهمیت را در نزد نسل سومی‌ها دارد عبارتند از: لذت‌گرایی، سنت و قدرت، در حالی که نزد نسل‌های مسن‌تر، لذت‌گرایی، برانگیختگی و آمادگی برای تغییر است.

جدول ۳. نتایج مربوط به آزمون‌های تحلیل واریانس و آزمون توکی جهت آزمون فرضیه اصلی

فرضیه‌ها	مقایسه میانگین‌ها			اماره F و سطح معناداری برای آزمون تحلیل واریانس یک طرفه		
	نسب قبل از انقلاب	نسب انقلاب و جنگ	نسب سوم	Sig.	F	
مهم‌ترین نتایج آزمون توکی (اختلاف میانگین نمرات جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها)						
تفاوت ارزش هم‌نوابی نسل‌ها	با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری بین ارزش هم‌نوابی نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ و همچنین با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری بین ارزش هم‌نوابی نسل سوم و نسل قبل از انقلاب وجود دارد.	۶/۱۱	۶/۱۰	۵/۷۸	۰/۰۰۲	۶/۴۰۶
تفاوت ارزش سنت نسل‌ها	با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری بین ارزش سنت نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ و همچنین بین ارزش سنت نسل سوم و نسل قبل از انقلاب وجود دارد.	۵/۶۶	۵/۶۵	۴/۸۴	۰/۰۰۰	۱۹/۶۵۵
تفاوت ارزش خیرخواهی نسل‌ها	با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری بین ارزش خیرخواهی نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ و همچنین با اطمینان ۹۵ درصد بین ارزش خیرخواهی نسل قبل از انقلاب و نسل انقلاب و جنگ وجود دارد.	۵/۷۱	۶/۰۰	۵/۷۰	۰/۰۰۴	۵/۷۱۰
تفاوت ارزش جهان‌گرایی نسل‌ها	تفاوت معناداری در ارزش جهان‌گرایی نسل‌های مختلف وجود ندارد.	۵/۴۹	۵/۶۳	۵/۴۵	۰/۲۱۹	۱/۵۲۵

ادامه جدول ۳

مهم‌ترین نتایج آزمون توکی (اختلاف میانگین نمرات جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها)	مقایسه میانگین‌ها			اماره F و سطح معناداری برای آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه		فرضیه‌ها
	نسل قبل از انقلاب	نسل انقلاب و جنگ	نسل سوم	Sig.	F	
با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری بین ارزش خود اتکایی نسل سوم و نسل قبل از انقلاب و همچنین بین ارزش خود اتکایی نسل انقلاب و جنگ و نسل قبل از انقلاب وجود دارد، اما بین نسل سوم و انقلاب و جنگ تفاوت معناداری در ارزش خود اتکایی مشاهده نمی‌شود.	۴/۹۶	۵/۴۹	۵/۵۵	۰/۰۰۰	۷/۸۶۱	تفاوت ارزش خوداتکایی نسل‌ها
تمامی نسل‌ها از نظر ارزش برانگیختگی دارای تفاوت معناداری با همدیگر هستند (نسل سوم و دوم ۹۵ و بقیه ۹۹ درصد).	۴/۰۶	۴/۸۳	۵/۲۱	۰/۰۰۰	۱۴/۳۴۰	تفاوت ارزش برانگیختگی نسل‌ها
با اطمینان ۹۵ درصد بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ و همچنین با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب از نظر ارزش لذت‌گرایی تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نسل انقلاب و جنگ و نسل قبل از انقلاب از لحاظ لذت‌گرایی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.	۴/۰۵	۴/۴۹	۴/۸۳	۰/۰۰۳	۵/۷۴۷	تفاوت ارزش لذت‌گرایی نسل‌ها

ادامه جدول ۳

مهم‌ترین نتایج آزمون توکی (اختلاف میانگین نمرات جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها)	مقایسه میانگین‌ها			اماره F و سطح معناداری برای آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه		فرضیه‌ها
	نسل قبل از انقلاب	نسل انقلاب و جنگ	نسل سوم	Sig.	F	
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب و همچنین با اطمینان ۹۵ درصد بین نسل انقلاب و جنگ و نسل قبل از انقلاب از نظر ارزش پیشرفت تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ از لحاظ ارزش پیشرفت تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.	۵/۰۳	۵/۳۹	۵/۵۸	۰/۰۰۲	۶/۱۲۸	تفاوت ارزش پیشرفت نسل‌ها
تفاوت معناداری در ارزش قدرت‌طلبی نسل‌های مختلف وجود ندارد.	۵/۱۱	۵/۲۹	۵/۲۰	۰/۶۴۴	۰/۴۴۰	تفاوت ارزش قدرت نسل‌ها
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ از نظر ارزش امنیت تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب و همچنین بین نسل قبل از انقلاب و نسل انقلاب و جنگ از لحاظ ارزش امنیت تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.	۶/۱۹	۶/۲۸	۶/۰۴	۰/۰۱۰	۴/۶۶۵	تفاوت ارزش امنیت نسل‌ها

ادامه جدول ۳

مهم‌ترین نتایج آزمون توکی (اختلاف میانگین نمرات جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها)	مقایسه میانگین‌ها			اماره F و سطح معناداری برای آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه		فرضیه‌ها
	نسل قبل از انقلاب	نسل انقلاب و جنگ	نسل سوم	Sig.	F	
با اطمینان ۹۵ درصد بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ و همچنین با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب و بین نسل انقلاب و جنگ و نسل قبل از انقلاب از نظر ارزش آمادگی برای تغییر نسل‌ها معناداری وجود دارد.	۴/۵۱	۵/۰۷	۵/۲۸۴	۰/۰۰۰	۱۲/۸۹۹	تفاوت ارزش آمادگی برای تغییر نسل‌ها
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ و همچنین بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب از نظر ارزش محافظه‌کاری تفاوت معناداری وجود دارد. بین نسل قبل از انقلاب و نسل انقلاب و جنگ از لحاظ ارزش محافظه‌کاری تفاوت معناداری وجود ندارد.	۶/۰۱	۶/۰۵	۵/۶۲	۰/۰۰۰	۱۵/۰۹۳	تفاوت ارزش محافظه‌کاری نسل‌ها
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب از نظر ارزش خود برتری تفاوت معناداری وجود دارد. اما بین دیگر نسل‌ها از لحاظ ارزش خود برتری تفاوت معناداری وجود ندارد.	۴/۸۷	۵/۱۷	۵/۲۸۲	۰/۰۲۴	۳/۷۵۴	تفاوت ارزش خود برتری نسل‌ها

ادامه جدول ۳

مهم‌ترین نتایج آزمون توکی (اختلاف میانگین نمرات جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها)	مقایسه میانگین‌ها			اماره F و سطح معناداری برای آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه		فرضیه‌ها
	نسل قبل از انقلاب	نسل انقلاب و جنگ	نسل سوم	Sig.	F	
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ از نظر ارزش خود شکوفایی تفاوت معناداری وجود دارد. اما بین دیگر نسل‌ها از لحاظ ارزش خود شکوفایی تفاوت معناداری وجود ندارد.	۵/۶۰	۵/۸۲	۵/۵۷۵	۰/۰۱۹	۳/۹۹۸	تفاوت ارزش خود شکوفایی نسل‌ها
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل قبل از انقلاب و همچنین بین نسل انقلاب و جنگ و نسل قبل از انقلاب از نظر ارزش فردگرایی تفاوت معناداری وجود دارد. بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ از لحاظ ارزش فردگرایی تفاوت معناداری وجود ندارد.	۴/۷۹	۵/۲۱	۵/۳۴	۰/۰۰۱	۷/۶۴۸	تفاوت ارزش فردگرایی نسل‌ها
با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل انقلاب و جنگ از نظر ارزش جمع‌گرایی تفاوت معناداری وجود دارد. بین دیگر نسل‌ها از لحاظ ارزش جمع‌گرایی تفاوت معناداری وجود ندارد.	۵/۷۷	۵/۹۱	۵/۵۷	۰/۰۰۰	۹/۱۱۷	تفاوت ارزش جمع‌گرایی نسل‌ها



بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۳۱

جدول ۰۴. اولویت‌های ارزشی نسل‌ها

ردیف	نسل سوم		نسل انقلاب و جنگ		نسل قبل از انقلاب	
	ارزش	میانگین	ارزش	میانگین	ارزش	میانگین
۱	امنیت	۶/۰۴	امنیت	۶/۲۸	امنیت	۶/۱۹
۲	همنوایی	۵/۷۸	همنوایی	۶/۱۰	همنوایی	۶/۱۱
۳	خیرخواهی	۵/۷۰	محافظه‌کاری	۶/۰۵	محافظه‌کاری	۶/۰۱
۴	محافظه‌کاری	۵/۶۲	خیرخواهی	۶/۰۰	جمع‌گرایی	۵/۷۷
۵	پیشرفت	۵/۵۸	جمع‌گرایی	۵/۹۱	خیرخواهی	۵/۷۱
۶	خودشکوفایی	۵/۵۷۵	خودشکوفایی	۵/۸۲	سنت	۵/۶۶
۷	جمع‌گرایی	۵/۵۷	سنت	۵/۶۵	خودشکوفایی	۵/۶۰
۸	خوداتکایی	۵/۵۵	جهان‌گرایی	۵/۶۳	جهان‌گرایی	۵/۴۹
۹	جهان‌گرایی	۵/۴۵	خوداتکایی	۵/۴۹	قدرت	۵/۱۱
۱۰	فردگرایی	۵/۳۴	پیشرفت	۵/۳۹	پیشرفت	۵/۰۳
۱۱	آمادگی برای تغییر	۵/۲۸۴	قدرت	۵/۲۹	خوداتکایی	۴/۹۶
۱۲	خود برتری	۵/۲۸۲	فردگرایی	۵/۲۱	خود برتری	۴/۸۷
۱۳	برانگیختگی	۵/۲۱	خود برتری	۵/۱۷	فردگرایی	۴/۷۹
۱۴	قدرت	۵/۲۰	آمادگی برای تغییر	۵/۰۷	آمادگی برای تغییر	۴/۵۱
۱۵	سنت	۴/۸۴	برانگیختگی	۴/۸۳	برانگیختگی	۴/۰۶
۱۶	لذت‌گرایی	۴/۸۳	لذت‌گرایی	۴/۴۹	لذت‌گرایی	۴/۰۵

آزمون	مقدار آماره کی دو	سطح معناداری
فریدمن	۴۰/۳۵۳	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۵ هر چند در محتوای ارزشی نسل‌ها، ارزش‌های امنیت، همنوایی و خیرخواهی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده و ارزش لذت‌گرایی پایین‌ترین جایگاه را دارد و از این لحاظ دارای تشابه هستند، ولی از سوی دیگر، ارتقای جایگاه ارزش‌های پیشرفت، خوداتکایی و برانگیختگی در نظر نسل‌های جوان‌تر و تنزل رتبه ارزش‌های قدرت و سنت در محتوای ارزشی نسل سومی‌ها (جوان) مشهود است.

جدول ۵. محتوای ارزشی نسل ها

ردیف	نسل سوم		نسل انقلاب و جنگ		نسل قبل از انقلاب	
	ارزش	میانگین	ارزش	میانگین	ارزش	میانگین
۱	امنیت	۶/۰۴	امنیت	۶/۲۸	امنیت	۶/۱۹
۲	همنوایی	۵/۷۸	همنوایی	۶/۱۰	همنوایی	۶/۱۱
۳	خیرخواهی	۵/۷۰	خیرخواهی	۶/۰۰	خیرخواهی	۵/۷۱
۴	پیشرفت	۵/۵۸	سنت	۵/۶۵	سنت	۵/۶۶
۵	خود اتکایی	۵/۵۵	جهان گرایی	۵/۶۳	جهان گرایی	۵/۴۹
۶	جهان گرایی	۵/۴۵	خود اتکایی	۵/۴۹	قدرت	۵/۱۱
۷	برانگیختگی	۵/۲۱	پیشرفت	۵/۳۹	پیشرفت	۵/۰۳
۸	قدرت	۵/۲۰	قدرت	۵/۲۹	خود اتکایی	۴/۹۶
۹	سنت	۴/۸۴	برانگیختگی	۴/۸۳	برانگیختگی	۴/۰۶
۱۰	لذت گرایی	۴/۸۳	لذت گرایی	۴/۴۹	لذت گرایی	۴/۰۵

آزمون	مقدار آماره کی دو	سطح معناداری
فریدمن	۲۳/۳۶۴	۰/۰۰۵

طبق این یافته‌ها، ارزش‌هایی که مربوط به موفقیت شخصی از خلال اثبات شایستگی بوده و مرتبط با فکر و عمل مستقل، انتخابگری، خلاقیت و زندگی متنوع و پرهیجان (ارزش‌های پیشرفت، خوداتکایی و برانگیختگی) است، نزد نسل‌های جوان‌تر از جایگاه بالاتری برخوردار است.

جدول ۶. ساختار ارزشی نسل ها

ردیف	نسل سوم		نسل انقلاب و جنگ		نسل قبل از انقلاب	
	ارزش	میانگین	ارزش	میانگین	ارزش	میانگین
۱	محافظه کاری	۵/۶۲	محافظه کاری	۶/۰۵	محافظه کاری	۶/۰۱
۲	خودشکوفایی	۵/۵۷۵	خودشکوفایی	۵/۸۲	خودشکوفایی	۵/۶۰
۳	آمادگی برای تغییر	۵/۲۸۴	خود برتری	۵/۱۷	خود برتری	۴/۸۷
۴	خود برتری	۵/۲۸۲	آمادگی برای تغییر	۵/۰۷	آمادگی برای تغییر	۴/۵۱

بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۳۳

سطح معناداری	مقدار آماره کی دو	آزمون
۰/۰۴۲	۸/۲۰۰	فریدمن

بر اساس جدول ۶ تشابه در ساختار ارزشی نسل‌ها و توافق آنها در ارزش‌های محافظه‌کاری و خودشکوفایی مشخص است، اما ارزش آمادگی برای تغییر که مبتنی بر ارزش‌هایی است که بر فکر و عمل مستقل فردی و طرفداری از تغییر تأکید می‌کند، در نسل سومی‌ها از جایگاه بالاتری برخوردار است. نسل سومی‌ها دارای ارزش محافظه‌کاری پایین‌تری نسبت به دیگر نسل‌ها هستند، ارزشی که اعضای گروه را از تضاد و تخطی از هنجارهای گروه برحذر می‌دارد و بر خود محدودکنندگی تبعیت جویانه، حراست از رسوم سنتی و حفظ ثبات تأکید می‌کند.

در صورتی که نسل‌ها را بر مبنای دو ارزش فردگرایی و جمع‌گرایی مورد ارزیابی قرار دهیم، همه نسل‌ها بیشتر جمع‌گرا بوده و از این لحاظ دارای ترجیح ارزشی یکسانی هستند. اما میانگین ارزش فردگرایی نسل سوم (۵/۳۴) بیش از ارزش فردگرایی نسل انقلاب و جنگ (۵/۲۱) و نسل قبل از انقلاب (۴/۷۹) است و به نوعی با تقویت فردگرایی در گذر زمانی از نسل اول به نسل سوم مواجه هستیم. همچنین نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه سن با ساختار و محتوای ارزشی (جهت‌گیری ارزشی) پاسخگویان، نشان می‌دهند که بین افزایش سن و ارزش‌های هم‌نوایی، سنت، امنیت، محافظه‌کاری، خودشکوفایی و جمع‌گرایی، همبستگی مثبت و بین سن و ارزش‌های خود اتکایی، برانگیختگی، لذت‌گرایی، پیشرفت، آمادگی، خود برتری و فردگرایی همبستگی منفی وجود دارد، همچنین بین سن و ارزش‌های خیرخواهی، جهان‌گرایی و قدرت رابطه معناداری مشاهده نشد.

#### ۲-۲-۴. مقایسه ابعاد مختلف دینداری نسل‌ها

نتایج آزمون F نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در ابعاد «کارکردی - پیامدی» و «رفتاری - مناسکی» نسل‌ها وجود دارد. مقدار F به دست آمده برای بعد کارکردی - پیامدی دینداری ۶/۰۲۷ با سطح معناداری ۰/۰۰۳ و مقدار F برای بعد رفتاری - مناسکی ۱۰/۴۴۰ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. همچنین تفاوت معناداری در بعد اعتقادی نسل‌ها به دست نیامد.

جدول ۷. نتیجه مقایسه ابعاد مختلف دینداری و آزمون تحلیل واریانس پیرامون تفاوت دینداری نسل‌ها

	دینداری			مقایسه دینداری نسل‌ها
	بعد رفتاری - مناسکی	بعد کارکردی - پیامدی	بعد اعتقادی	
میانگین	۳/۳۷۹۹	۳/۸۷۸۳	۴/۷۳۵۸	نسل سوم
انحراف معیار	۰/۸۷۳۹	۰/۸۲۲۴	۰/۵۷۱۶	
میانگین	۳/۶۸۴۷	۴/۰۳۵۰	۴/۸۵۱۷	نسل دوم
انحراف معیار	۰/۶۹۲۷	۰/۷۱۲۳	۰/۳۲۲۳	
میانگین	۳/۸۷۴۱	۴/۲۸۸۹	۴/۷۷۷۸	نسل اول
انحراف معیار	۰/۷۱۰۸	۰/۵۷۹۳	۰/۳۷۲۳	
F	۱۰/۴۴۰	۶/۰۲۷	۲/۲۳۶	آزمون تحلیل واریانس
معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۱۰۸	

جهت مشخص شدن تفاوت بین گروهی، از آزمون تکمیلی LSD استفاده شده که طبق جدول ۸ با اطمینان ۹۵ درصد بین نسل سوم و نسل دوم (نسل انقلاب و جنگ) از نظر بعد اعتقادی دینداری تفاوت معناداری وجود دارد. از لحاظ بعد کارکردی - پیامدی نیز با اطمینان ۹۹ درصد بین نسل سوم و نسل اول (نسل قبل از انقلاب) تفاوت معناداری وجود دارد. نکته قابل تأمل این است که بین نسل سوم و نسل‌های گذشته (نسل‌های اول و دوم)، از نظر بعد رفتاری - مناسکی، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین از نظر بعد اعتقادی دینداری، بین نسل‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی از نظر ابعاد کارکردی - پیامدی و رفتاری - مناسکی تفاوت معناداری بین نسل سوم‌ها و نسل‌های دیگر وجود دارد و این تفاوت در بعد مناسکی مشهودتر است.

جدول ۸. نتایج آزمون تکمیلی برای مقایسه تفاوت دینداری نسل‌ها

بعد اعتقادی دینداری			
نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	مقایسه تفاوت دو به دو میانگین‌ها (LSD) Sig.
۰/۵۹۹	۰/۰۳۵		نسل سوم
۰/۳۸۹		۰/۰۳۵	نسل دوم
	۰/۳۸۹	۰/۵۹۹	نسل اول
بعد کارکردی - پیامدی دینداری			
نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	مقایسه تفاوت دو به دو میانگین‌ها (LSD) Sig.
۰/۰۰۱	۰/۰۶۹		نسل سوم
۰/۰۵۹		۰/۰۶۹	نسل دوم
	۰/۰۵۹	۰/۰۰۱	نسل اول
بعد رفتاری - مناسکی دینداری			
نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	مقایسه تفاوت دو به دو میانگین‌ها (LSD) Sig.
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱		نسل سوم
۰/۱۸۰		۰/۰۰۱	نسل دوم
	۰/۱۸۰	۰/۰۰۰	نسل اول

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ده‌گونه ارزشی به دلیل تفاوت در محتوای انگیزشی آنها، براساس سه نیاز جهانی موجود در هستی انسان‌ها با هم متفاوت هستند که عبارتند از: نیازهای بیولوژیکی، ضرورت هماهنگی بین کنش‌های متقابل اجتماعی (تعامل) و تقاضای بقا و کارکرد گروه (Schwartz & Bardi, 2001: 280). طبق این سه اصل می‌توان نتایج مربوط به جهت‌گیری ارزشی را تبیین کرد. شوارتز و باردی نشان می‌دهند که یک الگوی مشابه در میان نواحی فرهنگی جهان وجود دارد که در آن ارزش‌های خیرخواهی، خود راهبری و جهانی‌گرایی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و ارزش‌های قدرت، سنت و برانگیختگی اهمیت کمتری دارند.

در پژوهش حاضر، بالاترین ترجیح ارزشی شهروندان کرمانی، امنیت، همنوایی و خیرخواهی به دست آمد که نسبت به نتایج تحقیق شوارتز و باردی (۲۰۰۱) خیرخواهی به رتبه سوم، جهان‌گرایی به رتبه چهارم و خوداتکایی به رتبه پنجم انتقال یافته و با توجه به شرایط اجتماعی - فرهنگی استان کرمان، ارزش‌های امنیت و همنوایی به اولویت اول و

بالتر از سه ارزش مورد نظر شوارتز منتقل شده است. همچنین کم اهمیت ترین ترجیح ارزشی جامعه آماری این تحقیق، ارزش های لذت گرایی، برانگیختگی و سنت است که در مقایسه با الگوی منتج شده از ارزش های جهانی شوارتز، تفاوت، مربوط به انتقال لذت گرایی به کمترین رتبه است و پس از آن برانگیختگی، سنت و قدرت (کم اهمیت ترین ارزش ها در پژوهش شوارتز و باردی) جای گرفته اند.

امنیت و همنوایی، ارزش های مهمی هستند، چراکه هارمونی روابط در میان اعضای گروه بستگی به پرهیز از درگیری و تجاوز از هنجارهای گروه دارد و پاسخی برای محدودیت های فردی، پرهیز از خطرپذیری و کنترل خواسته های ممنوع است. همچنین امنیت و همنوایی بر حفظ پایگاه اجتماعی - اقتصادی تأکید می کند. آنها انگیزه ضعیفی برای نوآوری در پیدا کردن راه حل برای مشکلات گروه دارند (Ibid: 281). بنابراین به دلیل جایگاه بالاتر گروه و اجتماع در نزد شهروندان کرمانی و انگیزش کمتر آنها برای حل مشکلات منطقه ای خودشان، این ارزش ها در مرتبه برتری قرار گرفته اند.

لذت گرایی که به نیازهای بیولوژیکی برمی گردد، به عنوان دگرگونی اجتماعی نیازهای فردی - ارگانیک بیولوژیکی - برای ارضای مادی<sup>۱</sup> و انگیزش های مطلوب است. جوامع باید مجوز و مشروعیت ارضای برخی از این امیال فردی را سازماندهی کنند، اما برعکس نهادهای اجتماعی کننده<sup>۲</sup>، این ارزش ها را سرکوب می کنند، چراکه اصولاً آنها به علائق فردی خدمت می کنند (Ibid: 282). بنابراین به نظر می رسد، به دلیل شدت بیشتر این سرکوبگری در جامعه آماری این تحقیق، ارزش لذت گرایی در پایین ترین ترجیح ارزشی قرار گرفته است.

از آنجایی که مردم بیشتر نگران نیازهای فوری و آنچه تهدیدشان می کند هستند، تا چیزهایی که دور از دسترس و غیر ضروری به نظر می آیند، با آنکه میل به زیبایی کم و بیش عمومی است، مردم گرسنه بیش از آنکه در فکر ارضای این تمایل باشند، در جستجوی غذا هستند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳). بنابراین امنیت اقتصادی و جانی در بالاترین رتبه و لذت گرایی در پایین رتبه ریخت ارزشی شهروندان کرمانی قرار گرفته و در هر سه نسل نیز رتبه مشابهی به خود اختصاص داده اند، چراکه ارزش ها، بازتاب نیازهای اساسی

- 
1. Social transformation
  2. Physical gratification
  3. Socializer

انسان هستند.

در چارچوب جامعه‌شناسی نسلی در ایران، دو رویکرد تحت عنوان «تعارض و انقطاع نسلی» و «توافق و سازگاری نسلی» شکل گرفته و در تقابل با این دو دیدگاه، رویکرد سومی مبنی بر «تفاوت و نه شکاف و انقطاع» پدید آمده است. یافته‌های این تحقیق به دیدگاه تفاوت ارزشی نسل‌ها نزدیک است و همان‌طور که ذکر شد، نسل جوان غیر از ارزش‌های قدرت‌طلبی و جهان‌گرایی، در دیگر گونه‌های ارزشی از جمله ارزش‌های سنت، محافظه‌کاری، برانگیختگی، آمادگی برای تغییر و بعد مناسکی- رفتاری دینداری با نسل مسن تفاوت دارند. همچنین ارزش‌های فردگرایانه و خود راهبری از اولویت و ترجیح بالاتری در بین نسل جدید برخوردار است. علت این امر با دلایل اینگلههارت (۱۳۸۲) قابل تبیین است که جهان‌بینی‌های متداول که از یک جامعه به جامعه دیگر تفاوت می‌کنند، بازتاب تجربه‌های متفاوت مردمان مختلف هستند. بنابراین ما تفاوت‌های پایدار، اما نه غیر قابل تغییری را میان ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات مردمان گوناگون می‌یابیم. این بدین معنی است که افراد و گروه‌های مختلف مردم در موقعیت‌های مشابه واکنش متفاوتی دارند. به‌طور خلاصه جهان‌بینی‌های متداول در جوامع مختلف می‌توانند تغییر یابند، اما به تدریج و به‌طور عمده از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به جای نسل دیگر تغییر می‌کنند. این کنندی ذاتی تحول فرهنگی می‌توان خطر ناک باشد، چراکه بدین معناست که ارزش‌ها و فرضیاتی که سرآمدان و توده مردم طبق آن عمل می‌کنند، ممکن است براساس واقعیتی قدیمی و مربوط به گذشته باشد (همان: ۴۷۷ و ۴۷۹).

در یک بررسی کلی، می‌توان فراگردهای دگرگونی ارزشی نسل‌ها را چنین بیان کرد: با وقوع تغییرات در سطح سیستم در زمینه‌های تجارب متفاوت گروه‌های سنی از لحاظ تاریخی و سیاسی (وقوع انقلاب و جنگ)، تغییرات تکنولوژیکی، افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات جمعی (رسانه‌های عمومی، تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی و...) و افزایش تحرک جغرافیایی؛ شاهد تغییراتی در سطح فردی هستیم که موجب تغییر در جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها شده و تفاوت ارزشی بین نسل سومی‌ها با نسل‌های دیگر مشهود است و این موضوع خود، بستری برای ایجاد پیامدهایی در حد سیستم خواهد شد، از جمله دگرگونی در شالوده‌های واکنش‌های اجتماعی و سیاسی و تغییر در حمایت از نهادهای ملی.

## ۶. پیشنهادات

۱. طبق نتایج این تحقیق، دگرگونی تدریجی در بین نسل‌ها، بازتاب محیط اجتماعی-اقتصادی در دوره‌های تاریخی و سیاسی هر نسل است، بنابراین در واقعیت ما با تفاوت نسلی روبرو هستیم و هرگونه پیش‌داوری مبنی بر گسست نسلی در جامعه، نه تنها کمکی به یافتن راه حل مناسب نمی‌کند، موجب تشدید تفاوت‌ها و موضع‌گیری نسل‌ها نسبت به همدیگر خواهد شد.
۲. در صورت تمایل به تغییر نگرشی و ارزشی و مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی و کنترل بحران‌های ناشی از تفاوت نسلی، مناسب است با توجه به نظریه اینگلهارت مبنی بر تأثیر فرضیه‌های اجتماعی شدن و کمیابی بر تغییرات ارزشی، با مدیریت نهادهای اجتماعی مهم از جمله خانواده، آموزش و پرورش، دین و رسانه‌ها، در جهت کاهش فاصله نسلی گام برداریم.
۳. با توجه به اینکه بسیاری از ارزش‌ها از جمله امنیت، دینداری و همنوایی برای تمامی نسل‌ها اهمیت بالایی دارند، لازم است با تأکید بر مشترکات، از بزرگنمایی تفاوت‌ها پرهیز کرده و بدین صورت بر تعامل و گفت‌وگو بین نسل‌ها بیفزاییم، چراکه هرگاه نقد نسل‌ها تبدیل به نفی همدیگر شود، به دلیل بروز کنش‌های غیرعقلانی و متعصبانه، تفاوت‌ها به شکاف و انقطاع و در نهایت به تعارض نسلی می‌انجامد.
۴. با تشکیل نشست‌های مختلف و با استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و فضای مجازی، برای تعامل بیشتر نسل‌ها تلاش بیشتر کرده، تا ضمن جلوگیری از تفکر خودمحوری نسل‌ها، عدم پذیرش و تحمل همدیگر و نابردباری، بر تفاهم و درک متقابل آنها افزوده شود.
۵. شناسایی گروه‌های مرجع نسل‌ها و بهره‌گیری از توان آنها جهت تقویت و تعامل بین نسلی و از سوی دیگر، تأکید بر نمادها و ابژه‌های فرانسلی و مشترکات بین‌نسلی در جهت پیوند زدن آنها.
۶. آشنا ساختن نسل‌های قدیمی با تغییرات اجتماعی-تکنولوژیکی جامعه و باور جوانان و همچنین ترغیب نسل‌های جدید به احترام گذاشتن به نسل‌های مسن‌تر.
۷. از ایدئولوژیک کردن مسائل مربوط به تفاوت نسلی پرهیزیم تا زمینه پذیرش



بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۳۹

تفاوت‌ها برای نسل‌ها فراهم شود.

۸. فرونشاندن تفاوت نسلی، نیازمند یک برنامه‌ریزی کلان است که در بلندمدت، از طریق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی، امکان به ثمر رسیدن آن وجود دارد و با اقدامات زود بازده، علاوه بر عدم نتیجه‌گیری، احتمال تشدید روند تفاوت‌ها وجود دارد. بنابراین از هرگونه کارهای شعاری و تبلیغاتی در این زمینه باید فاصله گرفت.

Archive of SID

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی در ایران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲. آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷). «بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان»، مجله علوم رفتاری دوره ۲، شماره ۲، تابستان.
۳. احمدی، یعقوب (۱۳۸۸). «وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها»، مطالعه موردی: شهر سنندج، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). تغییرات فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.
۵. بالس، کریستوفر (۱۳۸۰). «ذهنیت بین نسلی دیدگاهی روان‌کاوانه درباره اختلاف نسل‌ها»، ترجمه حسین پاینده، ارغنون شماره ۱۹.
۶. بیکر، ترز. ال (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: انتشارات روش.
۷. جمشیدبها، غلامرضا و کمال خالق پناه (۱۳۸۸). «دگرگونی نسلی و هویت اجتماعی در کردستان: مطالعه جوانان شهر سقز»، نشریه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه.
۸. چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۶). «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی (جوانان و مناسبات نسلی).
۹. حبیبی، مهدی، دل آرام جزء مطلبی، علی فتحی آشتیانی و سمیه سادات انوری (۱۳۸۸). «مقایسه نظام ارزشی دو نسل؛ فرزندان و والدین»، مجله رفتاری، دوره ۴، شماره ۱ بهار.
۱۰. داریاپور، زهرا (۱۳۸۶). «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی (جوانان و مناسبات نسلی).
۱۱. دلخمش، محمدتقی (۱۳۸۳). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در دانشجویان ایرانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
۱۲. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، شرکت انتشار.
۱۳. زارع، بیژن و ابوالفضل اصل روستا (۱۳۸۹). «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد»، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱، تابستان.
۱۴. شارون، جوئل (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۱۵. علمی، محمود (۱۳۸۸). «گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی دانشجویان و رابطه آن با طبقه اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره پیاپی ۳۴.
۱۶. غلامرضا کاشی، محمدجواد (بی‌تا). «گسست و تداوم نسلی»، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. غلامرضا کاشی، محمدجواد و محسن گودرزی (۱۳۸۴). «نقش شکاف انداز تجربیات نسلی

بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان) ۴۱

- در ایران»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم شماره ۱۶ .
۱۸. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷.
۱۹. محسنی، منوچهر (۱۳۷۴). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در سطح تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۰. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، بررسی شکاف نسلی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴ .
۲۱. هیوز، اس. (۱۳۶۹). آگاهی و جامعه، ترجمه عزت ا... فولادوند، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

#### ب) منابع لاتین

1. Feather N. T . (2004). Value Correlates of Ambivalent Attitudes Toward Gender Relations, personality and Social Psychology bulletin .
2. Fischer, Ronald & Shalom Schwartz (2010). "Whence Differences in Value Priorities?: Individual, Cultural or Artifactual Sources", journal of cross - Cultural Psychology.
3. Han, Johannes, Chang Yin (2009). "The Value of Singapore's Youth and Their Parents: A case Challenging the Adequacy of Inglehart's Interpretation of Top Value Priorities Derived from World Values Surveys", journal of Psychology.
4. Kulkarni, Shweta. A. (2010). The Social Correlates of value Consensus.
5. Lin, N. (1976). Foundation of Social Research, New York : McGraw Hill.
6. Malone, Eloise Forgette and Paik Chie Matsuzawa (2007). Value Priorities of Japanese and American Service Academy Students; Armed Forces & Society.
7. Marshall, Gordon (1996). Oxford Concise Dictionary of Sociology, Oxford University Press.
8. Routamaa Vesa, Hautala Tiina M. (2008). Understanding Cultural Differences the values in a Cross - Cultural Context; International Review of Research Papers.
9. Schwartz, Shalom, Bardi, Anat (2001). "Value Hierarchies Across Culyures: Taking a Similarities Perspective", journal of Cross - Cultural Psychology.
10. Schwartz, Shalom, Sagie Galit (2000)."Value Consensus and Importance: A Cross - national Study", journal of Cross - Cultural Psychology.
11. Schwartz, Shalom (2006). Basic Human Values: An Overview-Theory, measurement, and applications .
12. Vauclair, Christin-Melanie et al. (2011)."The Structure of Human Values at Culture Level: A Meta-Analytical Replication of Schwartz's Value Orientation Using the Rokeach Value Survey", journal of Cross-Cultural Psychology .
13. Wai Li, Liman man & Bond, Michael Harris (2009). "Value Change: Analyzing National Change in Citizen Secularism Across Four Time Periods in the World Values Survey", The social science Journal .